

درس قالی

زرد، بنفش، سفید و سرخابی از بالای دارقالی آویزانند. امروز مادر نقشه یک تابلوی زیبا از خانه‌های روستایی را رو به رویش گذاشت. پشت دارقالی نشست و کارش را شروع کرد. او یک نخ را به تار، یک نخ را به پود آن گره زد. دست گل‌ها را در دست گل‌ها گذاشت. بعد از مدتی باغی از درخت و گل‌های رنگارنگ با خانه‌های روستایی بافت. گفتم: توپ‌های رنگی نخ‌های خیلی دوست داشتی. مادر گفت: همه زیبایی‌های زندگی فقط به خاطر همین تفاوت رنگ‌هاست. حالا اگر من قالی را فقط با یک رنگ ببافم دیگر چیزی نخواهی دید. به حرف‌های مادر خوب فکر کردم. امروز از رنگ‌های قالی یاد گرفتم. تمام زیبایی‌های زندگی به خاطر همین تفاوت رنگ‌هاست. بدون رنگ هیچ زیبایی وجود نخواهد داشت.

خانه ما پر از رنگ است. مادرم وقتی سفارش تازه‌ای می‌گیرد، نخ‌های قالی را خودش رنگ می‌کند. او همیشه از سه رنگ اصلی که آبی، زرد و قرمز است، برای درست کردن رنگ‌های دیگر استفاده می‌کند. با مخلوط کردن رنگ آبی و زرد، انواع رنگ‌های سبز و از ترکیب رنگ‌های زرد و قرمز انواع رنگ‌های نارنجی و با ترکیب رنگ‌های آبی و قرمز، انواع رنگ‌های بنفش را درست می‌کند. بعد از رنگ کردن نخ‌ها، آن‌ها را روی نرده‌های حیاط پهن می‌کند تا خشک شوند. دارقالی کوچکی در گوشه اتاق است. گلوله‌های کوچک نخ مانند توپ‌هایی به رنگ سبز، قرمز، آبی، نیلی،



فاندرک

شماره ۱۸

۸ آبان ماه

۱۴۰۰

داهستان

بخوانیم

نویسنده: طاهره عرفانی